

## نردبان بندگی

### پیش چشم پیامبر(ص)

«دخل رجل مسجداً فيه رسول الله فخفف سجوده دون ما ينبغي و دون ما يكون من السجود، فقال رسول الله. نقر كنقر الغراب لو مات، مات علي غير دين محمد» پیامبر خدا(ص) در مسجد نشسته بودند که ناگهان مردی وارد شد و به نماز ایستاد؛ اما رکوع و سجودش را شتاب زده و ناتمام انجام داد. رسول اکرم(ص) فرمود: او مانند کلاغ منقار به زمین زد. اگر او بمیرد و نمازش همین گونه باشد، قطعاً مسلمان نمرده است.<sup>۱</sup>

نماز وسیله ای برای رسیدن به قرب الهی و اظهار دوستی و محبت به ساحت پروردگار مهربان و هر نماز مقل قطعه ریلی است که انسان را در جاده بندگی برای رسیدن به حق تعالی یاری می رساند. اکنون می پرسیم: درست است که نماز مقرب است و انسان را به خدا می رساند، ولی کدام نماز چنین خاصیت و اثربخشی ای دارد؟ کدامین نوع نماز است که باعث ریل گذاری و آماده شدن جاده بندگی و عبادت و عبودیت خواهد شد؟

شکی نیست که درجات نمازگزاران و حالات بندگی افراد بسیار متفاوت است و از روی ظاهر نمی توان به حقیقت عبادت افراد پی برد. چه بسا عده ای با هم در یک مکان نماز می خوانند یا حتی در یک صف از نماز جماعت حاضرند؛ ولی تفاوت بسیاری بین نمازهایشان وجود دارد. به فرمایش رسول اعظم(ص) «ان الرجلین منا متی یقومان فی الصلاة و رکوعهما و سجودهما واحد و ان ما بین صلاتیهما ما بین السماء و الارض» چه بسا دو نفر از امت من به نماز می ایستند و رکوع و سجودشان، در ظاهر، یکسان است؛ اما میان نماز آن دو تفاوتی مانند فاصله زمین و آسمان است.<sup>۲</sup>

ایشان همچنین فرمودند: «ان من الصلاة لما یقبل نصفها و ثلثها و ربعها و خمسها الی العشر، و ان منها لما یلف کما یلف الثوب الخلق فیضرب بها وجه صاحبها و انما لک من صلاتک ما اقبلت علیه بقلبک» بعضی از نمازها نیمی از آن پذیرفته می شود؛ بعضی یک سوم آن، برخی یک چهارم تا آنجا که برخی یک دهم آن قبول می شود. بعضی از نمازها نیز همچون جامه کهنه، پیچیده و بر صورت صاحبش زده می شود و نمازگزار بهره ای از نمازهایش نمی برد، مگر به اندازه ای که در هنگام خواندن آنها به خداوند توجه داشته است.<sup>۳</sup>

اگرچه تمام این نمازها باعث رفع تکلیف شرعی انسان می شود، ولی مقصود اصلی و فلسفه نماز را برای انسان محقق نمی سازد. باید دانست که این اظهار بندگی در قالب اقامه نماز، برای دستیابی به قرب الهی و افزودن معنویت مراتبی دارد و هر کس با توجه به نیت و عمل خود به مرتبه ای از آن دست می یابد؛

اما سؤال اساسی همچنان بی پاسخ مانده است که کدام نماز مقرب است و انسان را به مقام قرب و دوستی خداوند می رساند؟

برای دستیابی به پاسخ، ابتدا باید تقسیم بندی و انواع نمازها را بدانیم؛ سپس ببینیم کدام نماز انسان را به درجات بالاتر می رساند و باعث ارتقای درجات معنوی او می شود.

## انواع نماز

نکته: بی گمان نماز، از ابعاد و زوایای گوناگون، تقسیم شدنی است؛ ولی آنچه در این نوشتار اساس تقسیم قرار گرفته، انواع نماز براساس نوع دیدگاه نمازخوان ها و چرایی مبادرت آنها به نماز است که به اجمال آن را بررسی می کنیم.

### ۱. تقلیدی

اگر از بسیاری از مردم بپرسید که چرا نماز می خوانند، شاید نتوانند دلیل محکمی برای این عمل خود بیاورند و تنها به ذکر موارد و دلیل های کلی اکتفا کنند. گاه حتی دلیلی پشتوانه نماز خواندن نیست. رفقاً می خوانند؛ او هم می خواند. پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده از روی اول می خوانند و مقید به نماز بودند، او هم از روی عادت می خواند. محیط مدرسه و جمع دوستان از نماز خالی نبود و او هم با آنان همراه و هم‌نوا شده است.

این نوع نماز تقلیدی، اگر چه باید انجام پذیرد، زیباتر می شد اگر به درجه ای فراتر از تقلید می رسید و با دلیل و برهان و روح تعبد عجین می گشت، تا تأثیر بهتر آن را در زندگی می دیدیم.

نشانه این نوع نماز این است که در مواردی که نماز فرد قضا می شود، چندان برای وی اهمیت ندارد و بحران معنوی به شمار نمی رود. همچنین در مواردی که نماز مزاحم افراد یا همراه زحمت و مشقت بسیار، مانند دل کندن از گرمای پتو در زمستان باشد، طبیعتاً نماز در جایگاه دوم اهمیت قرار می گیرد. ضمن اینکه اگر محیط چندان مساعد نباشد، فرد تمایل جدی برای غلم کردن خیمه نماز در خود احساس نمی کند؛ به ویژه اگر احتمال نگاه ها و حرف های نیش دار و مخالف هم وجود داشته باشد.

### ۲. رفع تکلیفی

نوع دیگر نماز که مشابه مورد قبلی، ولی یک درجه برتر از آن است، نمازی است که بر اساس احساس وظیفه بندگی به درگاه خالق متعال خوانده می شود. مشکل این نوع عبادت نیز این است که غالباً افراد دارای چنین تفکری، قائل به جایگزین برای چنین تکلیفی هستند؛ بنابراین قضای نماز و یا واگذاری آن به آینده و دوران پیری و مانند آن از نمونه های رایج این نوع نماز است و تأخیر یا قضای نماز چندان مهم به

نظر نمی رسد. مهم آن است که سرانجام به جا آورده شود، خواه اول وقت یا آخر وقت یا حتی پس از وقت و به صورت قضا.

این نوع نماز یکی از مصادیق سبک به نماز است که باعث محروم شدن از رحمت خداست؛ چون همان گونه که نماز نخواندن یک گناه بزرگ است، نماز را خفیف شمردن و بی اهمیت دانستن نماز، اثر نماز را از بین می برد و ما را از رحمت خداوند و شفاعت اهل بیت دور می کند. قرآن کریم درباره بهانه های بنی اسرائیل - که دستور ذبح گاو به آنها داده شد و هر بار نکته جدیدی بهانه می کردند تا بالاخره وقتی تمام راه های بهانه جویی بسته شد گاو مدّ نظر را ذبح کردند- تعبیر عجیب و تکان دهنده ای دارد و درباره این عمل آنان می فرماید: «فذبحوها و ما کادوا یفعلون» گاو را از روی بی میلی ذبح کردند.<sup>۴</sup>

پس از وفات امام صادق(ع) ابوبصیر نزد ام حمیده آمد تا تسلیتی عرض کند. ام حمیده شروع کرد به گریه کردن. ابوبصیر نیز که نابینا بود، شروع کرد به گریستن.

ام حمیده به ابوبصیر گفت: ابوبصیر! نبودی و لحظه آخر امام را ندیدی. جریان عجیبی رخ داد. اما در حالی فرو رفت که تقریباً حال غشوه بود. سپس چشم هایش را باز کرد و فرمود: به تمام خویشان نزدیک من بگویید بالای سر من حاضر شوند. ما امر امام را اطاعت و همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، اما در همان حالات، در لحظات آخر عمرشان، یک مرتبه چشمش را گشود و رو کرد به جمعیت و همین یک جمله را گفت: «ان شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلاة» هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، نخواهد رسید. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

شهید مطهری درباره این جمله حضرت می نویسد: امام نفرّد که شفاعت ما به مردمی که نماز نمی خوانند نمی رسد، آن که تکلیفش خیلی روشن است، بلکه فرمود به کسانی که نماز را سبک می شمارند، شفاعت ما نمی رسد؛ یعنی چه نماز را سبک می شمارند؟ یعنی وقت و فرصت دارد، می تواند نماز خوبی با آرامش بخواند. ولی نماز نمی خواند. نماز ظهر و عصر را تا نزدیک غروب نمی خواند. نزدیک غروب که شد می رود یک وضوی سریعی می گیرد و بعد با عجله نمازی که نه مقدمه دارد و نه مؤخره؛ نه آرامش دارد و نه حضور قلب. طوری عمل می کند که خب دیگر این هم یک کاری است و باید نمازمان را هم بخوانیم. این خفیف شمردن نماز است.

این جور نماز خواندن خیلی فرق دارد با آن نمازی که انسان به استقبالش می رود؛ اول ظهر که می شود با آرامش کامل می رود وضو می گیرد، وضوی با آدابی، بعد می آید در مصلاهی خود اذان و اقامه می گوید و با خیال راحت و فراغ خاطر نماز می خواند. السلام علیکم را که گفت فوراً در رود. مدتی بعد از نماز با آرامش قلب تعقیب می خواند و ذکر خدا می گوید.

این علامت این است که نماز در این خانه احترام دارد. نمازخوان‌هایی هستند که خودشان نماز را تسخف می‌کنند، یعنی کوچک می‌شمارند، نماز صبحشان دم آفتاب است؛ نماز ظهر و عصرشان دم غروب است؛ نماز مغرب و عشايشان وقتی است که چهار ساعت از شب گذشته است و نماز را با عجله و شتاب می‌خوانند.

نماز را نباید استخفاف کرد؛ نباید سبک شمرد؛ نباید انسان کوشش بکند که در نماز فقط به واجباتش قناعت بکند و بگوید خب، برویم ببینیم فتوای مرجع تقلید چیست؟ آیا می‌گوید سه تا «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» باید گفت یا یکی هم کافی است؟ خب مجتهد باید فتوایش را بگوید. مجتهد می‌گوید یکی هم کافی است. احتیاط مستحبی این است که سه تا گفته شود. دیگر ما نباید بگوییم حالا که گفته اند یکی کافی است ما هم یکی بیشتر نمی‌خوانیم. این فرار از نماز است. ما باید طوری باشیم که وقتی هم که مجتهد به ما می‌گوید یکی واجب است و دو تای دیگر مستحب، بگوییم ما مغتنم می‌شماریم و آن دو تای دیگر را هم می‌گوییم.<sup>۵</sup>

### ۳. نماز ترسوها

روحیات انسان‌ها بسیار متفاوت است و هر کدام به دلایل خاصی به عبادات و واجبات و محرمات الهی واکنش نشان می‌دهند و آن را می‌پذیرند. در بحث نماز نیز یکی از علل شایع برای اقامه آن، تصویر دهشتناکی از جهنم و سوختن در آتش آن است که انگیزه‌ای قوی برای نماز خواندن به شمار می‌رود. مشکل این گروه که تنها ترس از عذاب خدا آنان را به عبادت وای می‌دارد، این است که اگر خداوند جهنم را نمی‌آفرید و عذاب عالم برزخ و قیامت در کار نبود و مردم تنها از نظر برخورداری از اصل ثواب و مراتب آن و درجات بهشت متفاوت می‌بودند، خدا را نمی‌پرستیدند. این نوع عبادت همان است که در روایات به عبادت بردگان تعبیر شده است. طبق فرمایش حضرت علی(ع)، عبادت چنین افرادی عبادت بردگان است که از ترس شلاق ارباب، فرمان‌های وی را اجرا می‌کنند. این گونه عبادت‌ها، گرچه رافع تکلیف است و بازدارنده انسان از محرمات، کامل نیست و از امتیاز اخلاص حقیقی بی‌بهره است.

### ۴. به عشق بهشت

دلیل دیگری که باعث اقبال برخی به نماز می‌شود، رسیدن به نعمت‌های وعده داده شده اخروی و ثواب‌های بهشتی و حورالعین‌هایی است که خداوند در قرآن، مردم را به آنها دعوت کرده است؛ لذا آنان به انگیزه رسیدن به این نعمت‌ها خداوند را می‌پرستند. به واقع آنان خوی تجارت پیشگی دارند و انگیزه آنها

رسیدن به سود سرشار است. ایشان در پی آن‌اند که در معامله خود با خداوند به سود بزرگی برسند که بهشت و نعمت‌های آن است. این نوع عبادت، در روایات به «عبادت تاجران» تعبیر شده و از شرایط نماز کامل بی بهره است. چه بسا اگر حور العین و غذاها و تفریحات وعده داده شده بهشتی نبود، از نماز اینان هم خبری نبود.

## ۵. عارفانه و عاشقانه

دانستیم همه آنان که به سوی خدا می روند و به پرستش و عبادت و نماز روی می آورند انگیزه یکسانی ندارند. حال باید دید برترین انگیزه برای پرستش و عبادت خداوند کدام است؟

امام حسین(ع) می فرماید: «ان قوما عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار و ان قوما عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد و ان قوما عبدوا الله شكرا فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة؛ همانا گروهی خدا را بری شوق بهشت می پرستند که این پرستش تاجران است و گروهی دیگر خدا را از روی ترس می پرستند که این پرستش بردگان است و گروهی خدا را از روی شکر و سپاس عبادت می کنند که این عبادت آزادگان است و این نوع پرستش والاترین نوع عبادت است.<sup>۶</sup>

بنابراین برترین و کامل ترین نوع عبادت، عبادتی است که از سر اخلاص و شوریدگی و دلدادگی و عشق به حضرت دوست باشد. در این مرتبه، عاشق از معشوق چیزی برای خود نمی خواهد و عشق او به سبب بهره ای نیست که از معشوق می برد، بلکه او به مرتبه ای رسیده است که خود را نمی بیند و با همه وجود در معشوق فانی می شود و در برابر او به خاک می افتد.

در این گونه عبادت، خداوند در شعور آگاه و فطرت بیدار شخص پیداست. وی خدا را آن گونه می پرستد که برخاسته از فطرت اوست و اگر خداوند بهشت و جهنمی نمی آفرید، باز او را به سبب محبت و عشق ستایش می کرد. چنین عبادتی که تنها برای خشنودی خداوند و تقرب به اوست، خالص و کامل است؛ چراکه از نیت های نفسانی و غیر خدایی پاک و آراسته است. دلی که به او تعلق گرفت، از هر چیز جز او رهایی می یابد. عبادت مولا علی (ع) مظهر چنین عبادتی است و خود حضرت در سخنی چنین می فرماید: «الهی ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلاً للعباده فعبدتک» خداوند! تو را نه به دلیل ترس از جهنمت و نه به طمع بهشتت پرستش کردم، بلکه تو را شایسته پرستیدن یافتیم و عبادتت کردم.<sup>۷</sup>

این جاست که می توان نفس راحتی کشید؛ زیرا انسان به چرایی تأثیر نداشتن نماز در رفتار و کردار برخی نمازگزاران و کسانی که چه بسا در طول چند دهه عمر، حتی یک نمازشان هم قضا نشده است، پی می برد؛ زیرا دغدغه نمازخوان های بی ایمان یا سست ایمان، همواره ذهن ها به خود معطوف کرده و

پیامدهای روانی فراوانی به بار آورده و در برخی موارد بهانه و چماقی شده است برای کوبیدن بر سر نمازگزاران و مؤمنان حقیقی.

اما فرد زیرک و هوشمند، در نوع و رتبه و درجه نماز دقیق می شود تا حقیقت ماجرا برایش روشن شود و به راحتی در می یابد که این گروه نمازشان حقیقی و عارفانه و عاشقانه نبوده است و گرنه بدون شک و به فرموده قرآن، خاصیت نماز این است که انسان را از بدی ها و گناهان دور می سازد.<sup>۸</sup>

حال کسی که نماز می خواند و مرتکب گناه هم می شود، بی شک نمازش نماز نبوده که نه تنها خاصیت اثربخشی و شفادهی نداشته، بلکه چه بسا باعث دوری او از خداوند شده است؛ لذا رسول خدا(ص) در پیامی چنین هشدار دادند: «هر کس نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، هیچ بهره ای از نماز، جز دوری از خدا نبرده است.»<sup>۹</sup>

به گفته امام صادق(ع): به رکوع و سجده های طولانی افراد نگاه نکنید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشند و برای آنان یک امر عادی شده باشد، چنان که اگر آن را ترک کنند، وحشت می کنند، بلکه به راست گویی و امانت داری آنان بنگرید.<sup>۱۰</sup>

لذا خداوند متعال به داوود پیامبر(ص) چنین فرمود: «چه بسیار رکعت های طولانی خاشعانه نمازگزارى نزد من به اندازه فتیلی<sup>۱۱</sup> ارزدا! زیرا وقتی من به قلب او نظر می کنم می بینم تا از سلام نماز فارغ شد، اگر زنی خود را به او عرضه نماید او را اجابت خواهد کرد و اگر مؤمنی با او معامله کند، به او خیانت خواهد نمود.»<sup>۱۲</sup>

### ملاک تشخیص

اگر بپرسند از کجا می توانیم بفهمیم نماز ما جزء کدام دسته است، با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ آن روشن است؛ زیرا نماز کامل و عارفانه و عاشقانه، نمازی تحول آفرین است؛ نمازی است که نه تنها به جا آوردن آن سنگین و خسته کننده نیست، بلکه انسان با اشتیاق معنوی وصف ناپذیری به دنبال آن است و همواره منتظر شنیدن صدای خوش اذان و رسیدن لحظات و ثانیه های لذت بخش گفت و گو با حضرت دوست است.

چنین نمازی برای انسان آرامش و پیش برندگی معنوی دارد و زمینه ساز توفیقات روز افزون است و دید انسان را چنان گسترده می سازد که لذت معنوی نماز را با هیچ لذتی معاوضه نمی کند و مراثبت و توجه کامل برای توفیق دوباره را به حداکثر می رساند و از زشتی ها و لذت های زودگذر به راحتی چشم می پوشد و تغییر را در خود احساس می کند.

رسول الله (ص) فرمودند: دو رکعت نماز همراه با تفکر و حضور قلب، ارزشمندتر از یک شب زنده داری با دل سرگردان و بدون توجه است.<sup>۱۳</sup>

منبع: ثانیه های انس، رضا اخوی، ستاد اقامه نماز.

پی نوشت ها:

- 
۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱.
  ۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۹.
  ۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۹.
  ۴. بقره / ۷۱.
  ۵. مرتضی مطهری، آزادی معنوی، ص ۱۳۱-۱۳۳.
  ۶. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷. مشابه این روایت از حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷ نقل شده است.
  ۷. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۶.
  ۸. «ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت / ۴۵)
  ۹. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.
  ۱۰. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۹۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.
  ۱۱. فتیل به نخ نازکی که در شکاف هسته خرماست، گفته می شود (فرهنگ عمید)
  ۱۲. حر عاملی، الجواهر السنیة، ص ۸۸.
  ۱۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲.